

مسائل دوگانگی

در

اجتماعات در حال رشد

درسی سال اخیر که بیش از هر زمان دیگر شاهد آگاهی روز افزون ملل جهان نسبت به مسائل رشد و توسعه بخصوص در کشورهای جهان سوم بودیم توان گفت که مطالعات و بررسی‌های علمی در این زمینه تابع دو برداشت مشخص بوده که درون حال دومر حله مهم را در آنچه که شاید روزی نام توسعه‌شناسی را بخود بگیرد تشکیل میداده است.

در ابتدای امر بیشتر متخصصان و کارشناسان که در اکثر موارد متعلق به کشورهای پیشرفته بودند برداشتی نسبت به مسائل رشد و توسعه داشتند که اساساً جنبه‌های آماری و کمی یا حد اکثر تحلیلی داشت. بدین شکل کتابها و رساله‌هایی که در ابتدا وطنی سالها در زمینه کشورهای در حال رشد یا عقب افتاده منتشر میشد غالباً با شرح تفصیلی از مشخصات ظاهری این کشور آغاز میگشت. این مشخصات عبارت بود از سطح پائین درآمد ملی سرانه و خط فرضی ۲۰۰ دلار که در قاموس سازمان ملل متحد کشورهای در حال رشد را از کشورهای پیشرفته جدا میسازد؛ عبارت بود از رقم بالای بیماران، از کم غذائی و گرسنگی و کمبود مواد پروتئین دار، از وضع نامطلوب بهداشت عمومی، از ازدیاد جمعیت و عدم استفاده از نیروی انسانی موجود، از وابستگی اقتصادی

این مقاله متن سخنرانی آقای وزیر علوم و آموزش عالی است که روز دوشنبه ۱۸ خردادماه ۴۹ در تالار اجتماعات وزارت امور خارجه ایراد کرده‌اند.

و محدودیت های شالوده ای اقتصاد -- از اهمیت صادرات یکی دو ماده خام و عدم ثبات دروضع مبادلات از کمبود سرمایه و مصرف -- ازبخش متورم معاملات غیرتولیدی و تجاری و مشخصات دیگری که همه بدان آشنا هستید.

جای خوشوقتی است که با پیشرفت و مطالعات جدی در مسائل کشور -- های درحال توسعه این برداشت آماری با کمی، رفته رفته جای خود را به یک برداشت شالوده ای یا باصطلاح خارجی **Structural** داده است. تفاوت برداشت قبلی با این برداشت (که بنظر من تنها برداشت صحیح و علمی از مسائل عمقی کشورهای جهان سوم و بتطور کلی از مسئله اساسی عقب افتادگی است) آنست که بجای توجه به یک تجزیه و تحلیل توصیفی یا ترسیمی ازوضع کشور -- های در حال رشد و بجای تشریح آمار و ارقام و جنبه های ظاهری این کشورها این قبیل اطلاعات و داده ها را در چهارچوب مطالعات و بررسیهای عمیق تر و همه جانبه تری درباره شالوده های اصلی این اجتماعات قرار میدهد و به ریشه مسائل میپردازد.

از این دیدگاه مسأله عقب افتادگی تنها یک مسأله کمی یا توصیفی نیست، برای نمونه اگر درآمد ملی سرانه مردم کویت امروز از ۸۰۰۰ دلار هم تجاوز کند از این امر بهیچوجه نمیتوان و نباید نتیجه گرفت که کویت اینک از امریکا که درآمد ملی سرانه آن به نصف این مبلغ نمیرسد یا حتی از انگلیس و فرانسه و دیگر کشورهای اروپائی و آسیائی که به رقمی در حدود یکربع یا خیلی هم کمتر از این رسیده اند به اصطلاح پیشرفته تر شده یا از مدار عقب -- افتادگی بیرون آمده است. بهمین نحو صرف آنکه امریکا در حال حاضر به بالاترین درجه تولیدی رسیده که بشر تاکنون بدان نائل گردیده و در آمد ناخالص ملی سرسام آوری بدست آورده بهیچوجه نمیتواند ما را به این نتیجه دیگر برساند که حتی در آن شرایط امریکا نسبت به امکانات تولیدی خالص خود کشوری عقب افتاده نیست. عبارت دیگر در صورتیکه ثروت ملی امریکا با درجه پیشرفت های فنی و امکانات تولیدی بالقوه آن کشور مقایسه شود شاید عقب افتادگی آن کشور نسبت به آن امکانات کمتر از عقب افتادگی کشورهای جهان سوم نسبت بامکانات خاص خود نباشد ...

تنها برداشت شالوده ای است که می‌تواند مسأله عقب افتادگی را آنچنانکه هست و آنچنان که ممکن است عمارا به حل عمقی آن راهنمایی کند مطرح سازد و از جمله اختلافات و مشخصات کیفی و اساسی که اجتماعات جهان سوم را از کشورهای باصطلاح پیشرفته دیگر متمایز می‌کند روشن دارد و ابعاد تاریخی و غیر اقتصادی آنرا نیز برای ما مشخص سازد.

در قالب این برداشت است که می‌خواهم امروز یکی از جنبه‌های اصلی عقب افتادگی یعنی حالت دوگانگی یا دو الیزم را بنظر که من شاید مهمترین جنبه پدیده عقب افتادگی بشمار برود با شما در میان بگذارم.

اگر اشتباه نکنم اقتصاد دان هلندی J. H. Bocke بود که در بررسیهای خود در باره اندونزی کلمه دوگانگی یا دو الیزم را حتی قبل از جنگ دوم بین‌المللی بکار برد. بوکه در بررسیهای خود به این نکته بر خورد که قبل از بر خورد سیستم‌های تولیدی سرمایه‌داری با سیستم‌های تولیدی صنعتی کشورهای جهان سوم، واحدهای اجتماعی - اقتصادی موجود غالباً یکپارچه بنظر می‌رسیدند و یک سیستم اجتماعی یا اقتصادی مشخص در هر یک از آنها موجود بود و اگر بعمل گوناگون سیستم‌های مترقی جدیدی پدیدار میشدند این سیستم‌ها پس از دوره موقتی که زمان آن بهر حال محدود بود جای خود را باز میکردند و به سیستم قبلی خاتمه می‌دادند. در قرن معاصر برای نخستین بار مشاهده شد که در کشورهای جهان سوم سیستم‌های اقتصادی یا اجتماعی جدید بجای اینکه سیستم‌های سنتی را مطلقاً از بین ببرند بجوی هم‌جوار آنها قرار گرفتند و به نوعی زندگی مسالمت آمیز خود را با آنها آغاز کردند.

بعبارت دیگر فضای اقتصادی - اجتماعی کشورهای پیشرفته را می‌توان اساساً «یک فضای متجانس» نامید حال آنکه این فضا در کشورهای در حال توسعه یک فضای نا متجانس دوگانه است.

به عقیده گانازه اصولاً مملکت کم رشد به مملکتی اطلاق میگردد که در آن دو نظام اقتصادی و اجتماعی که از هر جهت متفاوتند با یکدیگر

همزیستی یافته‌اند و در نتیجه بروز کنش‌های متقابل میان عناصر بنیادی این دو نظام بصورت رفتاری متعارف و بهنجار خود نمائی می‌کند. « ایولاکست در کتاب بسیار ارزنده خود موسوم به جغرافیای کم رشدی (که دکتر سیروس بهرایی از دانشگاه مشهد آنرا بهمین اسم به فارسی برگردانده است) همین حقیقت را بنحوی دیگر بیان می‌کند. بعقیده او « کم رشدی اساساً از دخول قهری نظام سرمایه داری در قلمروی جامعه‌های خالی از تحرکی است که در آن يك اقلیت صاحب امتیاز بومی یا خارجی از اقتدارات سیاسی واجتماعی بی قیاس برخوردارند. »

دوگانگی این اجتماعات وهمزیستی مداوم دو نظام متفاوت و گاه متضاد بی شك پدیده نو ظهوریست که نشان مؤثر خود را بر همه مظاهر زندگی ملت‌های در حال رشد گذاشته و دو دنیای مختلف ناماً نوسی را با همه عواقبش در کنار یکدیگر قرار داده و یکپارچگی سنتی این اجتماعات را بر هم زده است.

البته قبل از اینکه به جنبه‌های این دوگانگی بپردازیم شاید تسبیح تر باشد که بجای همزیستی دو سیستم کلمه همزیستی دو بخش جدید و سنتی را بکار بریم. چون در حقیقت در شرایط فعلی رشد کشورهای جهان سوم هیچکدام از دو بخش‌های همجوار نیز يك سیستم متجانس را بمعنای واقعی آن تشکیل نمیدهند. اقتصاد سرمایه‌داری در واقع اقتصاد پیش از سرمایه‌داری این کشور را در هم شکانده و یکپارچگی و آزادی عمل آن را از بین برده است. از طرف دیگر بخش اقتصاد سرمایه‌داری را نیز نمیتوان يك سیستم متجانس خواند زیرا این بخش در حقیقت خود جوانه یا زگیلی است که بر يك سیستم سرمایه‌داری خارجی روئیده است در نتیجه همزیستی دو بخش تا اندازه‌ای سیستم همجوار را متلاشی کرده است.

در عین حال این دوگانگی معنای آن را ندارد که دو بخش موجود مطلقاً از یکدیگر جدا هستند و رابطه‌ای بین آنها نیست و نوع و ماهیت این رابطه با آنچه که در واحدهای دیگر اقتصادی موجود است فرق اساسی دارد.

شکی نیست که منشاء این دوگانگی بر خورد تمدن صنعتی غرب با تمدن سنتی و دیرپای کشورهای جهان سوم است و همه میدانند که این برخورد در زمانی روی داد که نظام سرمایه‌داری خارجی نهایت تحرك و قدرت را داشت و نظام‌های سنتی و داخلی کشورهای جهان سوم با مسائل خاص پوسیدگی انحطاط رژیم‌های پیش از سرمایه‌داری مواجه بودند .

تنها با توجه به این واقعیت اصلی است که میتوان به ابعاد زمانی و مکانی مختلف مسأله دوگانگی پی برد و اثرات و عواقب آنرا بهتر شناخت . این اثرات را میتوان از سه جهت اصلی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی آن بررسی کرد .

از لحاظ سیاسی مطالعه وضع کشورهای مستعمره نشان می‌دهد که منافع خارجی از ابتدای نفوذ خود به خاطر حفظ پایگاههای مورد نظر خود نظام موجود را بطور کلی تقویت می‌کردند و اساساً بدنبال آن بودند که اثرات نظام وارداتی به قسمتهای عقب افتاده اقتصاد کشور سرایت نکند و منحصرأ به همان مناطق عمل سرمایه خارجی محدود گردد .

در اثر اجرای این سیاست و دوام و تقویت جزایر مجرای رشد، صرفنظر از وضع کلی عقب افتادگی، شهرها و مراکز بزرگ جمعیتی با سرعتی بیشتر بسوی نظام وارداتی و قباب‌های توسعه سرمایه‌داری گرایش پیدا میکنند و روستاها بعکس ناچار میشوند که خود را با زندگی سنتی در جهانی بسته و محصور عادت دهند .

با آنکه این دوپدیده نمیتواند بطور مطلق و دائم از یکدیگر جدا بماند هیچگاه رابطه‌ای ذاتی و بارور بین آنها برقرار نمیکردد و فاصله بین دو بخش سرعت بیشتر میشود .

ضعف حکومت‌های بسیاری از کشورهای جهان سوم امروز از این دوگانگی اصلی برمی‌آید که از راه قدرت شهری و گاه خارجی یعنی آنچه‌ان قدرتی حکومت میکنند که پایه‌هایش در مناطقی که اکثریت اهالی در آن زندگی میکنند نیست .

بهین جهت این حکومتها بیشتر به علل بنیادی نسبت به مسائل واقعی کشور و سرنوشت روستائیان که اکثریت تولید کنندگان کشور را تشکیل میدهند بیگانه هستند و دانسته یا ندانسته به آن قسمت از فعالیتهای سرگرم میشوند که بنحوی از انحاء به رونق شهری یا احیاناً سرمایه گذاریهای خارجی مرتبط است.

اقتصاد سنتی و بسته‌ای که زندگی مردم بدان بستگی دارد در عمل بحال خود گذاشته میشود و هیچگونه تغییر اساسی در آن روی نمیدهد و همین‌هم به هم خود مانع میشود که دولت‌های شهری تدابیر لازم و مؤثر را برای ایجاد یکپارچگی بیشتر بیندیشند.

شهرها هستند که اساس قدرت را تشکیل میدهند و چون زندگی اقتصادی و حتی اجتماعی شهرها غالباً جدا از بخش اقتصاد سنتی و یا در بسیاری از موارد وابسته به منافع بزرگ خارجی هستند، فعالیت‌های دولتی نیز غالباً تحت تأثیر این واقعیت‌اند.

در این زمینه جالب توجه است که کشورهایی که خواسته‌اند با تقلید از روشهای پارلمانی خارجی شالوده‌های پیشرفته‌تری برای توجه به خواسته‌های اکثریت مردم بوجود آورند و به گفته نیپورمند دموکراسی قابل حمل (پرتاتیو) وارد کرده‌اند بهیچوجه نتوانسته‌اند از این راه از تشدید دوگانگی جلوگیری کنند.

از اینرو تلاش کشورهایی که خواسته‌اند از راه وارد ساختن دموکراسی با اصطلاح پارلمانی، خود را با تغییرات زمان منطبق سازند در همه جا با شکست روبرو شده و خواهد شد زیرا این قبیل مفهوم غربی و وارداتی آزادی اگر توجیهی به عوامل تشکیل دهنده واقعی آزادی و شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی ناظر بر آن نداشته باشد غالباً نقض غرض خواهد بود.

رویه‌رفته نه تنها فعالیت‌های اقتصادی بلکه زندگی سیاسی و اجتماعی همواره در دو سطح مختلف و عجزاً از یکدیگر و گاه حتی مخالف هم پیش میرود. و این امر شاید بیش از هر عامل دیگر مانع آن میشود که اجتماعات

جهان سوم مفاصل حیاتی و قدرت درونی لازم را برای تجهیز و بکارانداختن بالقوه بدست آورند و از آنرا مسائل دراز مدت رشد و توسعه را به نحوی مترقی و در راه منافع واقعی مردم حل و فصل کنند.

اینک به مظاهر اجتماعی پدیدده دوگانگی میپردازیم

طبقات مرفه و خانواده‌هایی که قدرت واقعی را در دست دارند در يك دنیا و اکثریت مردم کشور در دنیایی دیگر زندگی میکنند و بین این دو گروه جمعیت ارتباط زنده و بارور نیست. اثرات دوگانگی و تضادهای ناشی از آن حتی یکپارچگی هر يك از این دو گروه را هم از داخل بهم میزند.

همزیستی دو سیستم فکری و تولیدی و در عین حال نیاز هر دو بیکدیگر آنچنان تضادها و گسستگی‌هایی در همه سطوح زندگی ملی بوجود می‌آورد که بی‌شک از تحرك کلی اجتماع بعنوان واحدی متشکل و منسجم میکاهد و عوامل ناشی ولی مفصلی آنرا تشدید میکند. در نتیجه این تحولات طرز کار و فکر قشرهای شهری یا باصطلاح بالاتر اجتماع نیز سرعت تغییر میکند.

ارزشهای قدیمی و سنتی متزلزل میشود و ارزشهای خارجی یا ارزشهای ناشی از تغییرات سریع اجتماع نیز آنچنان به تندی وارد میشوند که جذب آنها بهر حال نامدتها جنبه سطحی و حتی تصنعی دارد.

نکته نگران کننده دیگر آنست که یورش ایدئولوژیهای وارداتی و قدرت تسلط پاره‌ای از ارزشهای بیگانه طوریست که اثر خود را نه تنها در طبقات مرفه‌تر اجتماع میگذارد و آنها را از ریشه‌های ملت خود جدا میسازد بلکه در بسیاری از موارد اثرات تخریبی خود را متوجه مردم عادی نیز میکند.

همانطور که دیدیم مظاهر دوگانگی اثرات خود را در طرز تفکر و روحیه افراد و حتی دنیای درونی مردم جهان سوم نیز میگذارد. رخنه برق آسای ارزشهای جهان پیشرفته در شکافهای بدنه ضربت خورده اجتماعات

کهن هسته‌های مرکزی زندگی اجتماعی و فردی از جمله واحدهای روستائی و خانوادگی رادر هم شکافته است. رگه‌های دوگانگی بیش از هر چیز در خانواده‌ها، در روابط بین‌نسلی و در رفتارها و کردارها ظهور کرده است.

پدیده ریشه بریدگی (Deracinement) که منشأ بسیاری از آشفتگی‌های روحی و اختلالات روانی روشنفکران و یأس و اضطراب آنهاست از اثرات مستقیم فضای دوگانه و از هم گسیخته زندگی آنهاست.

اینک می‌پردازیم به دوگانگی فضای اقتصادی

مظهر اصلی این دوگانگی را وجود دو بخش مجاور و مجزا یعنی بخش سرمایه‌داری و بخش اقتصاد سنتی و کهن تشکیل می‌دهد که اولی برای بهره برداری از مواد اولیه و خام و کشتهای صنعتی بوجود آمده و منحصرأتموجه شهرها و صادرات است و دیگری بطور همیشگی اطراف کشاورزی و مدار بسته زندگی روستائی و فعالیت‌های وابسته می‌چرخد و رابطه ذاتی و باروری بین آنها موجود نیست.

همزیستی این دو بخش واحدهای روستائی را بتدریج دچار گسیختگی و از هم پاشیدگی می‌کند.

مظاهر سودجویی و میل استفاده‌های مالی و موفقیت‌های فردی همبستگی‌های سنتی را برهم زده و ارزشهای همیشگی را دچار تزلزلی سخت کرده است. در این فراگرد، در حالیکه ترقیات فنی و اثرات متریکی سرمایه‌داری به‌علل گوناگون نتوانسته است طرزکار و تولید روستائیان را در جهات مثبت تغییر دهد بسیاری از سنت‌های تولیدی کهن را متزلزل ساخته است. اصلاح زمینهای روستائی، نگهداری قنات‌ها و روشهای مشابه آبیاری و توجه به سلامت ذهن و تنوع کشت‌هایی که بنیه آنها را بخیر نیندازد از بین رفته است. فعالیت دستگاههای اداری و حکومتیهای مرکزی نیز در بسیاری از موارد یکپارچگی زندگی را برهم زده و در تسریع حرکت روستائیان بطرف شهرها بلااثر نبوده است.

همین دوگانگی اثرات مشابهی در بخش با-تلاص جدید اقتصاد بوجود آورده است.

همانطور که دیدیم فعالیتهای این بخش بیشتر در جهت منافع صادراتی و وارداتی و تأمین سود گروه معدودی که از آن بهره می‌برند انجام میگیرد و بجای اینکه ارتباط ذاتی با سایر فعالیتهای تولیدی کشور داشته باشد در بسیاری از موارد زائده و دنباله‌ای از منافع اقتصادی خارجی میشود.

صنایع تبدیلی که گاه قسمت عمده فعالیت‌های این بخش را تشکیل میدهد چون با وسائل اولیه و بخاطر سودهای آنی بوجود آمده است اثر زیاد در بالا بردن قدرت تولیدی کل کشور نمیگذارد و بعلاوه چون نقش خود راحتی از لحاظ تأمین وسایل مصرفی غالباً به کمک دولت انجام میدهد و قدرت رقابت باخارج را ندارد در طول مدت یا بار غیر مستقیمی بردش مالیات دهنده میشود و یا دیر یازود تحت کنترل گروههای مالی با نفوذ داخلی یا خارجی قرار میگیرد.

یکی از علل بهره دهی پائین کار آنست که مدیریت و طرز کار صنایع نو جوان نیز دچار اثرات دوگانگی هستند.

محصولی که باید به بازار برسد باید از لحاظ کیفیت و مرغوبیت با محصول صنایع پیشرفته رقابت کند.

اما چون روشهای تولیدی و بویژه وضع نیروی انسانی مورد نیاز هنوز متعلق به دنیای پیش از سرمایه داریست، تنها از راه کمک‌های دولت یا ایجاد انحصارهای حمایتی است که میتوان دوام چنین صنایعی را میسر ساخت.

رویه‌رفته، رخنه تسلط آمیز نظام‌های اقتصادی خارجی در نظام سنتی کشورهای در حال رشد و اثرات برخورد و همزیستی اجباری این دو نظام بیش از هر چیز برای درک و بررسی مسائل عقب افتادگی حائز اهمیت است.

اثرات متقابل پدیده دوگانگی بخصوص آنچنانستکه تفکیک عوامل تشکیل دهنده عقب افتادگی را از یکدیگر غیر ممکن میسازد.

همانطور که تجزیه و تحلیل مسائل جهانی و بویژه اقتصاد بین‌المللی بدون توجه به تقسیم دنیا بین دو بخش پیشرفته و در حال رشد بی‌نتیجه و سطحی است، بهمان نحو نیز لازه‌ست که طرح مسائل خاص عقب افتادگی در چارچوب پدیده مهم دوگانگی قرار گیرد.

از طرف دیگر جدا ساختن مسائل اقتصادی از مسائل سیاسی و اجتماعی که محاط بر آنهاست ممکن است احیاناً ما را در اموری که مربوط به مدیریت و سازمان دادن امور معین اقتصادی است ورزیده نماید و در رشته‌هایی از او رها را به جهان فنی پیشرفته نزدیک سازد ولی باندیده گرفتن مسائل اصلی دوگانگی همچنان بر خطرات ناشی از آن خواهند افزود. به‌همان دلیل نیز لازه‌ست که همواره متوجه عواقب سنگین و اختلال آور بر نامه‌های ناسالم موضعی و بخشی بود که بهمان نحو ممکن است گسستگی موجود را تشدید کند. در سالهای اخیر بسیاری از ممالک جهان سوم خود را در گیر طرح‌های چشمگیری کرده‌اند که غالباً توجهی به هدف‌های دراز مدت یک رشد متعادل و موزون نداشته و هدف آن ایجاد اعتبار و مقام ظاهری یا تحکیم یک موقعیت خیالی بین‌المللی بوده است.

همچنین مشاهده شده است که غالباً بر نامه‌هایی را آغاز و اجرا کرده‌اند که در رشد یک بخش خاص اقتصادی یا یک موضع معین زندگی ملی بینهایت مؤثر بوده اما به مسائل انتقال و ارتباط این رشد موضعی با بخش‌های دیگر زندگی اقتصادی و اجتماعی و نیز دیگر اولویتهای بر نامه ریزی توجه نداشته است.

این قبیل بر نامه‌ها نه تنها خود بخود به نتیجه نرسیده بلکه در بیشتر موارد مسائل و بارهای جدیدی بوجود آورده که در تشدید اثرات دوگانگی بنیادی و اختلال ناسالم توازن و تعادل رشد ملی مؤثر بوده است. بسیاری از این نوع بر نامه‌ها در عمل، کشورها را از اعتبارات و امکاناتی که برای پاره‌ای از اولویتهای ملی آنها جنبه حیاتی داشته محروم نموده است.

فضای عقب افتادگی بیش از هر چیز تصویر دنیائی را میدهد که نوعی بریدگی و دوگانگی بنیادی بر همه چیز آن مستولی شده است. اکثریت مردم در آن قسمت اعظمی از فضای ملی زندگی میکنند که هیچگونه تغییر اساسی در آن روی نداده و نمیتواند روی دهد.

قسمت محدود دیگر آن در اختیار صاحبان داخلی و گاه خارجی قدرت است که با استفاده از شالوده‌های مساعد موجود به تقویت بخشی که منافع آن را تأمین میکند کمک مینمایند و گاه قسمت مهمی از درآمدهای بزرگ خود را به خارج انتقال میدهد.

دوگانگی بنیادی که ناظر بر بیشتر فعالیت‌های مردم جهان سوم است از یکسو مسائل از هم گریختگی و تلاشی را تشدید میکند و از سوی دیگر امکانات باز یافتن یکپارچگی و تحرك موزون اجتماع را محدود میسازد. در این دنیا مظاهر نظامی دیگر که از پاره‌ای از جهات اینک قرن‌ها از آن فاصله گرفته بتدریج وجسته گریخته رخنه و بروز کرده است بی آنکه بتواند در آن ریشه بگیرد یا بدان پیوندد یابد. تمدن صنعتی از یکطرف درهای آینده را با همه امیدها و سرابهایش بروی مردم کشورهای جهان سوم باز کرده و از طرفی دیگر راههای پیشرفت و ترقی سریع را با موانعی جدی که بسیاری از آنها منبعث از پدیده دوگانگی است بسته است. و در حالیکه فراگردپوسیدگی و تلاشی نظامهای سنتی با آهنگی روز افزون سرعت میگیرد این مسأله اساسی برای مردم این کشورها مطرح است که چگونه میتوان در شرایط دوگانگی نهال تمدنی نو و نظامی مترقی و زودرس را در زمین فرسوده و پوسندگی عقب افتادگی فرو نهاد.

برای بیشتر کشورهایی که میتوانند سرعت در راه جبران عقب افتادگی قدم بردارند حل این مسأله اساسی و عوارض ناشی از آن شاید تا سالها از مهمترین مسائل برنامه ریزی ملی باشد.